



تیتراهای امروز

انتقاد تلویحی محسن رضایی از اظهارات رفسنجانی

همین حرف‌ها سال ۸۸ فتنه کرد



فعلان راهاندازی فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی تقدیر شدند

تجلیل از صف‌شکنان تحریم

اسفند دروغ بزرگ اوباما را فاش کرد

بن لادن زنده است!

یادداشت‌های روزانه سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر

جشنواره‌های عذاب‌آور!

روزنه

سیدحسین خمینی و ویرست‌های پشت سر

محمدرضا حبیبی

از فترای اعلام کاندیداتوری سیدحسین خمینی برای مجلس خبرگان، رفتار، گفتار و آرای سیدحسین خمینی، یکی از مطالب ثابت نشریات اصلاح‌طلب بوده است. هر چند این حجم حمایت رسانه‌ای با توجه به رفتارها و سکوت‌های توأم با معنای ایشان در ایام نیاز که موید قرابت فکری وی با جریان مزبور است دور از ذهن نبود اما روی سخن نگارنده با آن نیست بلکه نکته اساسی که در این بین دستخوش غفلت و فراموشی واقع می‌شود شعارها، تحلیل‌ها و گزارش‌های رنگارنگی است که در دوره حاکمیت اصلاح‌طلبان بر مناصب اجرایی، به طور مستمر و روزانه نقل محافل و نشریات این جریان بود. تحلیل‌هایی که نقطه محوری آن معطوف به آرای بود که «ماکس وبر» در چارچوب جامعه‌شناسی سیاسی خود به بررسی انواع رهبری سیاسی از جمله رهبری کاریزماتیک می‌پرداخت. ویرست‌های اصلاحات با مطرح این آرا و انطباق آن با جامعه ایران در صدد بودند با معرفی امام خمینی به عنوان رهبری کاریزما، رهبری ایشان را فاقد عنصر قانونمندی و غیرعقلانی معرفی کنند تا از رهگذر این امر پایه‌های مشروعیت رهبری بنیانگذار انقلاب را متزلزل و انقلاب اسلامی را نظامی غیرعقلانی توصیف و در نهایت با پاشیدن بذر تردید و شبیهه در بین مردم، موجبات دل‌سردی مردم از انقلاب را فراهم و رفته‌رفته زمینه هضم و اضمحلال آن در نظام سلطه جهانی را به وجود آورند. آن ایام، تئوریسین‌های اصلاحات با وام گرفتن اندیشه‌های وبر، امام خمینی را رهبری «کاریزما» معرفی می‌کردند که این کاریزما، مفهومی جز تصمیم‌ها و رفتارهای هیجانی، غیرعقلانی، غیرقانونی و فراقانونی نداشت. مفهومی که با وجود موارد متعدد مثال نقض درباره امام خمینی بلاموضوع بود. در نتیجه این تحلیل‌ها، رهبری امام خمینی بیشتر از اینکه معلول خواسته‌های منطقی و عقلانی مردم و در پاسخ به یک مطالبه عمومی از سنخ عقلانیت محسوب شود ناشی از کم‌خردی و عدم بلوغ سیاسی آنان توصیف و تبیین می‌شد که البته با رحلت امام خمینی دوره گذار از رفتارهای هیجانی و رسیدن به رفتارهای عقلانی از سوی حاکمیت نیز فراهم می‌شد. این تفسیر چیزی نبود جز تخفیف رای و نظر مردم و منتهم کردن آنان به رفتارهای غیرمنطقی و...

ادامه در صفحه ۵

اصلاح‌طلبان درباره سوءاستفاده‌های انتخاباتی هاشمی از بیت امام (ره) می‌گویند

قربانی‌اش کرد

صفحه ۲



همه آزمون‌هایی که سید حسن خمینی باخت

کبری آسویار

حضور داشته و در صف اول هم نشسته است. اینها نشانه‌های همان احترامی است که ملت و حکومت ایران برای نوه امام قائل بوده‌اند اما ادب مردم ایران در برابر خاندان امام نباید آنان را در شناخت جایگاه خویش دچار اشتباه کند؛ در اوج احترام هم آنها در نهایت نوه امام هستند و نه خود امام! این اشتباه باعث می‌شود او پایگاه اجتماعی امام را هم عوض از پایگاه اجتماعی خود بگیرد و تصور کند همان استسقال از او وجود دارد. «خودامام‌پنداری» و گره زدن احترام خود به احترام امام خمینی (ره) و پایگاه اجتماعی خود به پایگاه اجتماعی امام، آزمون دیگری بود که حسن خمینی آن را باخت.

این بازی بعدتر توسط کسان دیگر نیز تکرار شد. روحانی احترام به امام را احترام به بیت امام دانست! هاشمی هم تنها به این امر بسنده نکرد و همه ایران را بدهکار «بیت» امام دانست! غرویان هم گفت انقلاب نباید از بیت امام فاصله بگیرد! کلاً به ناگاه نوه امام یا همان که بیت‌امام‌نمیده می‌شود، تبدیل به یکی از اصول انقلاب شد!

و کلام آخر اینکه، سیاست‌ورزی آزمون دیگری بود که حسن خمینی آن را هم باخت. او بازیگر نمایشی شد که کارگردانی‌اش را کسی دیگر بر عهده داشت و در این راه آنچه زیر پا رفت، حرمت نوه امام بود. او مع‌الاسف ابزار دست سیاست‌زدگان شد تا آنها به آنچه خواستند برسند. اگر او تایید صلاحیت می‌شد که مهره آنان در خبرگان بود و حالا که نشده، ابزار تسویه حساب آنها با شورای نگهبان... از سویی حسن خمینی با عدم شرکت در آزمون خبرگان، تا سال‌های سال صلاحیت علمی همسانی مواضع دینی و سیاسی بیندازد، مغلطی است که حتماً استاد محترم حوزه آن را به خوبی بلد هستند. این بازتعریف‌های نادرست از امام خمینی و آرمان‌هایش و همسان‌پنداری خود با امام، جفا در حق امامی است که هیچگاه نگفته بود پشتیبان نوه‌های من باشد تا این انقلاب زنده بماند! حسن خمینی یک شخص است و امام شخصی دیگر! احترام او البته به مردم ایران واجب است اما احترام گذاشتن به واسطه نوه امام بودن، به معنای یکی دانستن او و امام یا یکی دانستن استقبال از او و زنده بودن امام در جامعه نیست. همه سال‌های گذشته از رحلت حاج سیداحمد آقای خمینی، فرزند ارشد او با همه کمی سن، صرفاً به واسطه نسبت فامیلی با امام عزیز ملت ایران در تمام مراسم رسمی نظام

سید حسن خمینی، صفحه ویژه تولد او با یادداشت‌های ویژه، آیت‌الله و علامه خطاب کردن یک استاد معمولی حوزه علمیه، پر کردن عکس‌های خانوادگی او در صفحات مجازی، پوشش اخبار خانوادگی حسن خمینی در رسانه‌های رسمی همچون خبر تولد فرزند او، تیرهایی همچون خمینی دوم و... همه و همه تکه‌های پارلی بود که بتواند بعدتر کامل شود. حسن خمینی اجازه داد مدح بی‌دلیل او در ادبیات سیاسی اصلاح‌طلبان بیچسد و او به شکل اغراق آمیزی بزرگ شود. روزی که یک روزنامه اصلاح‌طلب برای او صفحه ویژه سرالوز تولدش را منتشر کرد که بر شده بود از یادداشت‌های متملقانه اهل سیاست برای «توه» امام، انتظارها از کسی که یادگار امام‌نمیده می‌شود، عمل به مشی امام بود که بر دهان متملقان زند اما او نشست و نگاه کرد. سکوت حسن خمینی در برابر این غلوهایی که پیش‌تر حتی درباره رهبران انقلاب اسلامی نیز سابقه نداشت، آزمون دیگری بود که حسن خمینی آن را باخت.

روز آزمون خبرگان فرارسید. در حالی که تصور می‌شد با توجه به منش امام خمینی در یکسان دانستن همه آحاد جامعه در برابر قانون، نوه ایشان نیز با تمکین به قانون و با اعتماد به درجه علمی خویش همچون سایر کاندیداهای خبرگان در آزمون خبرگان شرکت کند، او با بهانه عدم دعوت برای آزمون و در حالی که در شهر محل آزمون حضور داشت، از شرکت در آزمون علمی سر باز زد تا کنال تایید اجتهاد او مسیری غیر از سایر کاندیدها را طی کند. آیا کسی را به این دلیل که نسبت فامیلی با بنیانگذار حکومت دارد، باید به روندی غیر از روند قانونی کار سپرد؟ برخی خبرها در رسانه‌های حامی حسن خمینی نشان از آن داشت که او شأن خود را فراتر از نشستن بر صندلی آزمون علمی خبرگان می‌دید اما این کدام شأنیتی است که مافوق قانون قرار می‌گیرد و توقع یقینی برای فرد می‌آورد که باید اجتهاد من بدون آزمون علمی احراز شود، اگر نه حتماً اشتباهی روی داده است؟! خانواده امام به واسطه نسبت فامیلی با

نگاه

«خمینی آمد»، همین عبارت پیچیده در شبکه‌های اجتماعی یک جریان سیاسی برای اعلام حضور سیدحسن خمینی برای فهم نمایشی که از مدت‌ها قبل پیش‌تولید آن رقم زده شده بود، کفایت می‌کرد؛ تبتیری که فقط شایسته یک نفر، آن هم در قد و قامت رهبر یک انقلاب اسلامی بود، حال خرج کاندیداتوری نوه ایشان می‌شد. یک آف‌آف‌دبازی به معنای اتم با پسوند «خمینی» خلاف مشی و منشی که حضرت آقا سیدروح‌الله خمینی داشت و به مردم ایران هم یاد داده بود که داشته باشند. اسلش مگر نه اینکه امام قیام کرده بود تا خاندان بازی‌ها وربینقتند؟ به اسم خمینی، نمایشی خلاف رسم خمینی شکل گرفت. حسن خمینی غیر از نسبت خانوادگی با بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب اسلامی ۵۷ تقریباً هیچ ویژگی ممتاز دیگری ندارد؛ او نه از رهبران سیاسی کشور محسوب می‌شود؛ نه لیدر جناح یا حزبی خاص بوده؛ نه رئیس‌جمهور بوده که انتخاب اکثریت عنوان شود و نه هیچ فعالیت اجتماعی و سیاسی و علمی و دینی یا حتی ورزشی و هنری خاصی دارد که وجه تمایز او از دیگران شود. او تنها ستمی که دارد، تولیت حرم امام است که آن هم به دلیل نسبت فامیلی است. پس چرا درباره او مدح غلواًمیز بیان می‌شود؟ آیا صرف نسبت خانوادگی با رهبر انقلاب باید وجه تمایز او محسوب شود؟ اگر به عنوان مثال یک روزنامه اولگورا برای فرزندان یا نوه‌های آیت‌الله خامنه‌ای جشن تولد بگیرد، آیا مدعیان اصلاح‌طلبی حس بدی از این خاندان‌گرایی نخواهند داشت؟ خود ما هم صدای اعتراض‌مان بلند می‌شود که انقلاب کردیم تا این خاندان‌بازی از بین برود و کسی صرف یک نسبت فامیلی گرمی داشته نشود. (حال، اینکه از ترس عتاب آقا کسی جرأت چنین کاری ندارد و البته مشی اولگورایی هم با تملق فرزندان امام و رهبری جور در نمی‌آید، بحث دیگری است.) و جای امام جقدر خالی است که اگر حضر تشان بودند، قلم این تملق و سوءاستفاده از نام بنیانگذار انقلاب را می‌شکستند و اجازه نمی‌دادند نوه امام بودن را دلیل بزرگی تلقی کنند...

تن دادن به خاندان‌گرایی اولین آزمونی بود که سیدحسن خمینی در آن باخت. تولد گرفتن‌ها در صفحه اول روزنامه برای

دریافت پیام‌های شما در شبکه‌های اجتماعی

۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱

یادداشت امروز

نقدی به نظام جمهوری اسلامی

حسین قدیانی

این کشور و آن کشور ندارد؛ بدیهی‌ترین منطق انتخابات در هر نظامی این است که به عنصر فتنه‌گر علیه سازوکار آن انتخابات، اذن نامزدی ندهد. حال اگر آن عنصر فتنه‌گر، در فتنه‌آفرینی علیه سازوکار انتخابات، مسبوق به سابقه هم باشد و علاوه بر این، در فتنه علیه نتیجه انتخابات هم سابقه‌دار باشد که دیگر هیچ؛ یعنی حداقلش این است که در سایر نظام‌ها به چنین عنصری هرگز اذن نامزدی نمی‌دهند، اینکه حالا بسا او چه کار می‌کنند و چگونه او را به سزای رفتار و گفتارش می‌رسانند، محل بحث این یادداشت نیست. محل بحث این یادداشت، همان‌طور که از تیتراژ آن پیداست، با کمال عذرخواهی نقدی است به نظام جمهوری اسلامی. این نقد البته می‌توانست در مدح نظام نوشته شود اما از آنجا که زیادی هر چیزی بد است، لاجرم این متن هم زاویه نقد پیدا کرده است.

تا چند بار اولی که طرف، علیه سازوکار انتخابات شکلک درآورد و نظام تحمل کرد و از در گذشت وارد شد، این را ما همان زمان نوشتیم به پای کرامت نظام و مصلحت‌سنجی درست و تلاش حکیمانه برای حفظ، اما به راستی تا چند بار؟! و تا کی؟! آیا واجب واجبات، حفظ نظام است یا حفظ طرف در مجموعه نظام؟! و گیرم همین دومی واجب واجبات باشد، آیا با این همه اغماض و ملاحظه، مثلاً حفظ شده در مجموعه نظام؟! وقتی تندتر از هر اپوزیسیونی علیه نظام موضع می‌گیرد، بی‌منطق‌تر از هر خودخواه خودمحوری علیه نهاد قانونی ناظر بر انتخابات حرف می‌زند، معلوم است که اولاً لیاقت این همه تلاش برای حفظ در بدنه نظام را ندارد، ثانیاً نظام باید تجدیدنظر کند در نحوه مواجهه با وی. گفت: «خوبی که از حد بگذرد، نادان خیال بد کند». راقم این سطور، آنقدر در تعریف از شورای نگهبان نوشته که حق این یک قرقه نقد برایش محفوظ باشد! من ضمن احترام به هر تصمیمی که این نهاد قانونی بگیرد و فقط من باب روشن شدن، از اعضای معزز شورای نگهبان می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌پرسم که براساس کدام منطق، فلاتی را تایید صلاحیت کرده‌اید، آن هم برای مجلسی به اهمیت مجلس خبرگان؟! اگر منطق این بوده که با دیدن یک ملافت دیگر، دست از رفتار و گفتار فتنه‌آفرین بردارد، حرف‌های سابقه‌دار لیکن بی‌سابقه ایشان نشان داد این خوبی‌ها و این لطف‌ها اصلاً و ابداً به طرف نیامده! مع‌الآن می‌